

لبخندهای آبی بر مرم‌های سبز

«سفرنامه‌ی تونس»

ساعت پنج صبح روز دوشنبه پنجم اسفندماه است. در فرودگاه امام‌خمینی منتظر نشسته‌ایم. دکتر نصرالله امامی همچنان از غبار غلیظ و هوای نامساعد دیروز اهواز و مشکلات پدید آمده در پروازهای دو روز گذشته‌ی فرودگاه اهواز می‌گوید و از این که بالاخره با تحمل چه دشواری‌هایی دیشب، به تهران رسیده‌اند. تأخیر در صدور ویزا و ناهماهنگی‌های اولیه، مرا نیز ناگزیر کرده بود دیروز از طریق «لیست انتظار» شرکت آسمان، خود را به تهران برسانم. آقای دکتر اسماعیل آذر هم از برنامه‌های متراکم خود در چند روز گذشته و ضبط تلویزیونی دیشب که تا دیروقت ادامه داشته است، سخن می‌گوید.

دیشب که آقای حسن‌زاده، کارشناس شورای گسترش زبان فارسی گذرنامه‌ها و بلیت‌های دوستان را در هتل به من تحویل می‌دادند، اندکی از مشکلات پدید آمده در تشریفات مقدماتی سفر توضیح دادند. اما در هر حال به همت دکتر وفایی، رئیس شورای گسترش و تلاش آقای حسن‌زاده، هیأت سه نفره‌ی ایرانی برای شرکت در «همایش بین‌المللی شعر فارسی» در تونس، الآن کارت‌های پرواز خود را (از طریق تهران به استامبول و استامبول به تونس) دریافت کرده‌اند و منتظر زمان پروازند.

هواپیمای متعلق به شرکت «ترکیش ایر» ساعت ۴۵:۶ - با ده دقیقه تأخیر - تهران را به مقصد استامبول ترک می‌کند. من پیش از این نیز همین مسیر هوایی را پیموده و تجربه کرده‌ام اما این بار صحبت‌های شیرین دکتر آذر و دکتر امامی مسیر سه ساعته‌ی پرواز را کوتاه‌تر می‌کند. بیشتر گفت‌وگوها درباره‌ی شعر حافظ و نسخه‌های مختلف آن است. گزارشی که از نسخه‌ی نویافته‌ی حافظ (که از سوی دکتر فردوسی منتشر شده) می‌دهم برای دوستان تازه و جالب است.

عقره‌های ساعت به حوالی نه و چهل و پنج دقیقه می‌رسند و هواپیما در فرودگاه استامبول بر زمین می‌نشیند. ساعت را یک ساعت و نیم به عقب می‌کشم تا به وقت ترکیه تنظیم شود. تا زمان

پرواز به تونس (۴۵: ۱۰) دو ساعت و نیم وقت داریم. بر صندلی سالن انتظار فرودگاه نشست‌ه‌ام و به تونس می‌اندیشم. به شمالی‌ترین کشور آفریقایی که بر لب آب‌های مدیترانه نشسته و با یونان و ایتالیا فاصله‌ی چندانی ندارد؛ به کشوری که از گذشته‌های دور همواره محل رفت و آمد تمدن‌ها و فرهنگ‌های گوناگون بوده و تجربه‌ی حکومت‌های مختلف را از سر گذرانده است؛ کشوری که حاکمیت آن بارها از سوی قدرت‌های مختلف دست به دست گشته است: قرطاج‌ها، رومی‌ها، مسلمانان عثمانی و بالاخره اروپاییان (پرتغال، اسپانیا، و بویژه فرانسه ...). به کشوری می‌اندیشم که حدود شش دهه پیش، پس از یک دوره مبارزه‌ی مسلحانه با استعمارگران فرانسه، به استقلال رسید و از آن زمان تاکنون تنها دو نفر را در جایگاه ریاست جمهوری تجربه کرده است؛ حدود چهل سال «حبیب بورقیبه» و حدود بیست سال «زین‌العابدین بن علی» را ... غرق در اندیشه‌های خویشم که زمان پرواز به تونس فرا می‌رسد. هواپیمای شرکت ترکیش ساعت ۴۵: ۱۰ به وقت ترکیه، استامبول را به مقصد تونس ترک می‌کند و پس از ۲/۵ ساعت به فراز شهر تونس می‌رسد. از پنجره‌ی هواپیما، شهر زیبای تونس را نگاه می‌کنم: دریای آبی مدیترانه با ساحل سرسبز تونس، منظره‌ای دیدنی پدید آورده‌اند. ساختمان‌هایی که یک‌دست سفیدند با پنجره‌هایی که همگی آبی‌اند، بر بستری پر از درخت شاداب چشمانم را خیره کرده‌اند که هواپیما بر زمین می‌نشیند و قرار می‌گیرد. به ساختمان فرودگاه وارد می‌شویم. آقای محمدتقی مؤیدی، سفیر ایران، آقای دکتر عصمتی، رای‌زن فرهنگی و آقای عبدالعزیز، نماینده‌ی بیت‌الحکمه‌ی تونس به پیش‌باز ما آمده‌اند برای آن که ما در صف نایستیم. نماینده‌ی بیت‌الحکمه گذرنامه‌هایمان را می‌گیرد تا تشریفات قانونی ورود را انجام دهد.

به سالنی در فرودگاه هدایت می‌شویم تا کمی استراحت کنیم. آقای دکتر عصمتی پس از خوش‌آمدگویی مجدد، برای ما از کشور تونس می‌گوید:

بالای نقشه‌های کشور تونس معمولاً جمله‌ای نوشته شده است: «اهلاً و سهلاً بکم فی تونس الخضراء» یا «ابتسم آنها تونس الخضراء» (لبخند بزن این جا تونس سرسبز است). این نخستین بار است که در شمال آفریقا همایشی بین‌المللی مختص به شعر فارسی برگزار می‌شود. الان نزدیک به دو سال است که مرکز فرهنگی مستقل ایران در تونس ایجاد شده و ما تلاش می‌کنیم که به لطف خدا برای معرفی چهره‌ی فرهنگی ایران قدم‌های مؤثری برداریم. به همین دلیل حضور شما در این کشور و شرکتتان در همایش بین‌المللی فارسی می‌تواند تأثیر مهمی را در معرفی ادبیات ایران و تحکیم روابط فرهنگی کشورهای آفریقایی با ایران داشته باشد.

پیشینه‌ی ارتباط ایران با تونس به بیش از ۱۰۰۰ سال می‌رسد. یعنی زمانی که قیروان مرکز مهمی برای فعالیت‌های اسلامی بوده است. امسال هم قیروان به عنوان پایتخت فرهنگی جهان اسلام معرفی شده و فعالیت‌های گسترده‌ای برای همین منظور در این کشور صورت می‌گیرد. اصل واژه‌ی قیروان همان کاروان فارسی است و ایرانی‌ها بویژه خراسانی‌ها در ایجاد بنیان‌های علمی و فرهنگی این شهر نقش اساسی داشته‌اند. تونسی‌ها، ایرانی‌ها را خیلی دوست دارند و توجه جدی هم به وضعیت معاصر ایران دارند. من هم از همان ابتدا تأکید کرده‌ام که برای فعالیت‌های فرهنگی آمده‌ام نه فعالیت‌های سیاسی و بارها گفته‌ام که: «انا رجل الثقافة و لا رجل السياسة».

این همایش که قرار است برگزار شود، از حدود یک سال پیش، طراحی شده و استادان تونسی خیلی علاقه دارند درباره‌ی ادبیات معاصر ایران اطلاعاتی داشته باشند. اسم اولیه‌ی همایش، «شعر معاصر ایران» بود، اما برای این که عمومی‌تر بشود به «همایش شعر فارسی» تغییر نام داد. ولی تکیه بر شعر معاصر فارسی است. آقای دکتر فرید قطاق که از استادان زبان فارسی تونسند، تلاش پی‌گیری را برای گسترش زبان فارسی دارند و در این همایش هم زحمات‌های فراوان کشیده‌اند...»

پس از توضیحات آقای دکتر عصمتی نماینده‌ی بیت‌الحکمه که میزبان اصلی هستند، به ما می‌پیوندند و گذرنامه‌های مهر شده‌ی ما را تحویل می‌دهند. سپس راننده‌ی بیت‌الحکمه (آقای فتحی الکسودی) را به ما معرفی می‌کنند و می‌گویند ایشان تا پایان سفر در همه‌ی اوقات در خدمت شما هستند.

به سمت هتل حرکت می‌کنیم. از پنجره‌ی ماشین مسیر زیبای شهر را تماشا می‌کنم. بارانی ملایم که نم‌نمک بر صورت شهر می‌نشیند، درخت‌های سرسبز و پر نشاط کنار خیابان‌ها را فریباتر و دلربا تر می‌کند. منظره‌ی نشاط‌انگیز حاشیه‌ی مسیر، کنار دریای خزر را به یاد می‌آورد و هوای خرم شهر مرا تا روزهای فروردین شیراز پرواز می‌دهد. هنوز دور اول این شرابِ فرح‌بخش به پایان نرسیده است که به هتل پنج ستاره‌ی «کارتاگو پلاس» می‌رسیم که در منطقه‌ی «قمرت» (گمرت) در شمال شهر تونس واقع است. پروفسور ویکتور الکک در لابی هتل نشسته‌اند و از دیدن ما بسیار شادمان می‌شوند. الکک از استادان نام‌دار لبنانی هستند که در پیوند با ادبیات ایران، آثاری ارزشمند پدید آورده‌اند. انتشار مجله‌ی «الدراسات الادبیه» با سابقه‌ی چندین دهه، از اقدامات ستودنی پروفسور الکک است. نخستین آشنایی و دوستی ما به بیش از ۱۵ سال پیش می‌رسد. چند ماه پیش در مجمع بین‌المللی استادان زبان فارسی، دکتر الکک را در تهران دیده بودم و درباره‌ی سفر تونس با هم گفت

و گو کرده بودیم. می دانستم که دیروز به تونس رسیده است و مشتاق دیدار او بودم. الکتک پس از دیده‌بوسی و احوال‌پرسی می‌گوید: مقاله‌ی مرا که به نام «زبان در شعر امروز ایران» بوده در آخرین شماره‌ی مجله‌ی الدراسات الادبیه چاپ کرده و مجله را به نشانی دانشگاه شیراز فرستاده است. کلید اتاق‌هایمان را از کارمند پذیرش هتل می‌گیرم و برای استراحت به اتاق‌هایمان می‌رویم.

ساعت ۲/۵ است در اتاق ۱۰۶۸ هتل مجلل «کارتاگو پلاس» کنار پنجره نشسته‌ام و مناظر فرح‌بخش و دل‌انگیز بیرون را تماشا می‌کنم. هتل کارتاگو پلاس در یکی از بهترین مناطق شهر تونس بر لب دریا نشسته و محیطی آرام و دلنشین برای مسافران ایجاد کرده است. هزینه‌ی هتل بر عهده‌ی میزبان (بیت‌الحکمه) است. بر واژه‌ی «کارتاگو» درنگ می‌کنم. این واژه صورتی دیگر از همان واژه‌ی «کارتاژ» یا «قرطاج» است. این واژه برای تونس‌ی‌ها واژه‌ای احترام‌انگیز است. زیرا پیشینه‌ی تمدنی آن‌ها را باز می‌نماید. «از سده‌ی دوازدهم پیش از میلاد فنیقی‌ها بندرگاه‌ها و مؤسسات بازرگانی چندی در کرانه‌های شمالی آفریقا احداث کردند و دولت کارتاژ در سده‌ی هشتم پیش از میلاد در کنار یکی از همین بندرگاه‌ها که شهر امروزی تونس در محل آن بنا شده، تأسیس گردید. و در سده‌ی ششم پیش از میلاد بر سرتاسر کشور امروزی تونس استیلا یافت.» (گیتاشناسی نوین کشورها، ۱۳۸۲: ۲۰۹)

به تابلو پشت در اتاق نگاه می‌کنم. قیمت اجاره‌ی اتاق‌ها و سوئیت‌های هتل پشت در نوشته شده است؛ از ۳۰۰ تا ۵۵۰۰ دینار تونس‌ی. رقم ۵۵۰۰ دینار که البته مخصوص دیپلمات‌ها و افراد رده‌ی بالای سیاسی است، توجه مرا بیشتر جلب می‌کند. بلافاصله به ریال تبدیل می‌کنم. این رقم معادل ۳ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان می‌شود! یک شب سه میلیون و هشتصد هزار تومان!... بهتر است استراحت کنم. قرار است ساعت ۵/۵ برای شرکت در آیین گشایش هفته‌ی فیلم ایرانی به «مرکز فرهنگی ابن‌خلدون» برویم.

پیش از ترک هتل به بخش حسابداری و صندوق هتل می‌روم و مقداری دلار به دینار تونس‌ی تبدیل می‌کنم، هر دلار آمریکا معادل ۱/۴ دینار تونس است. بلافاصله در ذهن خودم به ریال تبدیل می‌کنم: هر دینار تونس معادل حدود ۷۰۰ تومان ایران! در فکر فرو می‌روم و به کم‌ارزشی ریال وطنم «ایران» می‌اندیشم. ارزش پول ایران را در سال‌های دور گذشته به یاد می‌آورم و با احساسی کسل‌کننده همراه با ناخشنودی و ناخرسندی روی یکی از مبل‌های لابی هتل، تن خسته را رها می‌کنم.

ساعت ۶/۵ در مرکز ابن خلدون با حضور تعدادی از علاقه‌مندان (تونسی و ایرانی) مراسم افتتاحیه‌ی هفت فیلم ایرانی آغاز می‌شود. در این مراسم معاون وزیر فرهنگ تونس و رایزن فرهنگی ایران در سخنرانی کوتاهی بر ضرورت فعالیت‌های مؤثر در مسیر تحکیم روابط فرهنگی ایران و تونس تأکید می‌کنند و آقای دکتر عصمتی درباره‌ی سینمای ایران توضیحاتی می‌دهند. در ادامه، فیلم «بچه‌های آسمان» مجید مجیدی با زیرنویس عربی پخش می‌شود.

ساعت ۸/۵ پس از پایان یافتن فیلم و مراسم پذیرایی به اتفاق آقایان دکتر الکک، دکتر امامی و دکتر آذر راهی هتل می‌شویم. از سوی سفارت ایران چهار سیم کارت تونسی در اختیار ما قرار می‌گیرد تا در روزهایی که در تونس هستیم استفاده کنیم. آقای دکتر عصمتی برای روزهایی که در تونس هستیم برنامه‌ی زمان‌بندی شده‌ی منظمی طراحی کرده‌اند که به صورت مکتوب در اختیارمان می‌گذارند. بر پایه‌ی این برنامه قرار است فردا، سه‌شنبه، به دیدار شهر قدیمی قیروان برویم.

ساعت ۹ صبح با دو اتومبیل شهر تونس را به مقصد قیروان ترک می‌کنیم. من و دکتر آذر در اتومبیل آقای دکتر عصمتی هستیم و آقای دکتر الکک، دکتر امامی و نماینده‌ی بیت‌الحکمه سوار اتومبیل بیت‌الحکمه هستند. فرصت مغتنمی است تا پرسش‌های فراوان خود را در همین مسیر درباره‌ی مسائل گوناگون کشور تونس مطرح کنم. هوا همچنان نیمه‌بارانی، فرح‌افزا و نشاط‌آور است. بازی پی در پی آفتاب و باران، در این مسیر دیدنی است. کناره‌های جاده، سرسبز و باطراوت است. کاکتوس‌های بسیار بلند که در هیأت درخت در دوسوی بخش‌هایی از جاده‌ی تونس - قیروان کاشته شده‌اند و دیوارهایی نفوذناپذیر پدید آورده‌اند، چشم مرا خیره می‌کنند. خواهش می‌کنم چند لحظه‌ای بایستیم تا از نزدیک این منظره‌ی دیدنی را تماشا کنیم. کاش در این سفر، فرصت کافی داشتیم تا مناطق کم‌جمعیت جنوبی کشور تونس را نیز که از هوای مدیترانه‌ای بی‌بهره است و از نواحی گرم، خشک و کم‌باران به شمار می‌آید می‌دیدیم. مبلغی را که آقای عصمتی به مامور جایگاه عوارض جاده می‌دهد معادل حدود ۱۰۰۰ تومان است. هرچه به سوی قیروان پیش‌تر می‌رویم از سرسبزی کنار جاده و انبوهی پوشش درختان کاسته می‌شود. اما قیروان نیز در نیمه‌ی شمالی کشور تونس قرار دارد و هنوز تا رسیدن به صحرای شن فاصله دارد. گندم، زیتون و خرما از مهم‌ترین محصولات کشاورزی تونس است. در کشور تونس بیش از ۳۰۰ نوع خرما وجود دارد. زیتون‌زارهای

حاشیه‌ی جاده بر زیبایی مسیر افزوده‌اند. آقای دکتر عصمتی به پرسش‌های پی در پی من پاسخ می‌دهند؛ از جمله:

حبیب بورقیبه که رهبر نهضیت استقلال تونس بوده، از همان سال ۱۹۵۷ بر جدایی دین از سیاست تأکید داشته و این تأکید همچنان از سوی دولت لائیک کنونی ادامه دارد. برای نمونه در مدارس و دانشگاه‌ها رسماً حجاب ممنوع است. البته زیاد سخت‌گیری نمی‌کنند. در قوانین این کشور کاملاً به حمایت از حقوق زنان تأکید می‌شود. می‌توان گفت این کشور کشوری زن‌سالار است. وزارت‌خانه‌ی مستقلی به نام زنان و خانواده وجود دارد. تعدد زوجات هم – برخلاف برخی دیگر از کشورهای عربی – ممنوع است. تونس کشوری آرام با مردمی معتدل است و دولت برای ایجاد امنیت عمومی و تعادل رفتاری برنامه‌های موفقی به اجرا گذاشته است. در رسانه‌های تونس چه روزنامه‌ها و چه تلویزیون، چاپ و پخش تصاویر و فیلم‌های مستهجن ممنوع است. تونس با حدود ده میلیون جمعیت نزدیک به هفت میلیون توریست دارد و درآمد توریسم از مهم‌ترین درآمدهای این کشور است. تعداد ایرانی در تونس زیاد نیست و مجموعه‌ی شیعیان کشور هم به حدود ۴۰۰ هزار نفر می‌رسد. مذهب رسمی مردم، مذهب سنی مالکی است. زبان فارسی متأسفانه در دانشگاه‌های امروز تونس رونق شایسته‌ای ندارد و بجز فعالیت‌های پراکنده‌ی دیگر، حدود شش هفت واحد درس اختیاری زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه زیتونه تدریس می‌شود. در رای‌زنی هم ما کلاس‌های آموزشی زبان فارسی داریم.

در مسیر، وارد یکی از جایگاه‌های پمپ بنزین می‌شویم. مأمور پمپ کلید باک را از راننده می‌گیرد و بنزین می‌زند. آقای عصمتی می‌گوید: در تونس بنزین زدن توسط راننده ممنوع است. این کار همیشه توسط مأمور پمپ بنزین انجام می‌گیرد. قیمت هر لیتر بنزین یک دینار و ۲۵۰ میلیم است؛ یعنی حدود ۱۰۰۰ تومان. البته بنزین در این جا بدون سرب عرضه می‌شود.

ساعت ۱۵:۱۱ به محدوده‌ی شهر قیروان می‌رسیم و آقای دکتر عصمتی همچنان که رانندگی می‌کنند، دقایقی پیش از توقف اتومبیل با صدای دلنشین خود برای ما قرآن می‌خوانند.

قیروان یکی از شهرهای مهم تونس با پیشینه‌ای بسیار طولانی است. پس از پذیرش دین اسلام در تونس، شهر قیروان یکی از مراکز مهم هنری و علمی جهان اسلام شد. با توجه به حضور ایرانیان خراسانی در حدود ۱۰۰۰ سال پیش در قیروان و نقش آن‌ها در بنا، اقتصاد و فرهنگ این شهر، می‌توان قیروان را نماد پیوند تاریخی ایران و تونس به شمار آورد. در آستانه‌ی ورود به شهر، ابتدا به موزه‌ی «تمدن و هنرهای اسلامی» – که در یازده کیلومتری قیروان است – می‌رویم. راهنمای

موزه درباره‌ی تاریخچه‌ی موزه و آثار موجود در آن توضیح می‌دهد. در سالن ورودی موزه تابلو بزرگی نصب شده است و نام همه‌ی حاکمانی که پس از اسلام در تونس حکومت داشته‌اند، با تاریخ حکومت آن‌ها بر این تابلو نوشته شده است. در یکی از سالن‌ها هم میراث مشترک کشورهای حاشیه‌ی دریای مدیترانه نمایش داده می‌شود. اسم این سالن را قنطره (پل) گذاشته‌اند که نماد پیوند است. در هر یک از سالن‌های دیگر، آثاری همچون سفال، سنگ، سکه، زینت‌آلات، خطوط قدیمی و مانند آن‌ها نگهداری می‌شود. راهنمای موزه با آرامش و به گونه‌ای دقیق درباره‌ی هریک از آن‌ها توضیح می‌دهد و بسیار علاقه‌مند است که بیشتر آن‌ها را منحصر به فرد، کاملاً متفاوت و قدیمی‌تر از موارد مشابه در جاهای دیگر معرفی کند. پس از آن به آرامگاه «ابی زمعه البلوی» می‌رویم که از یاران پیامبر اسلام (ص) بوده و نزد تونسی‌ها از احترام ویژه برخوردار است. نقش‌های هنری و رنگ‌های چشم‌نواز بنا معنویتی ویژه به این مکان داده است. در تونس معروف است که ابی‌زمعه البلوی آرایشگر پیامبر بوده است. بخشی از نقش و نگارها و معماری‌های بنا تحت تأثیر هنر اندلسی است. پس از آن به دیدن چند آب‌انبار بزرگ و قدیمی شهر قیروان می‌رویم. در گذشته آب مصرفی شهر از همین آب‌انبارهای بزرگ تأمین می‌شده است. راهنما می‌گوید: در گذشته ۱۵ آب‌انبار در این جا وجود داشته که از همه‌ی آن‌ها، تنها همین دو مورد باقی مانده است. گنجایش هریک از این آب‌انبارها حدود ۶۰ هزار متر مکعب است.

پس از آن به دیدن «جامع عقبه بن نافع فهری» می‌رویم که از قدیم‌ترین مساجد اسلامی است. نافع فهری که از صحابه‌ی پیامبر اسلام بوده در حدود سال ۵۰ هجری این مسجد را بنا نهاده است. دکتر عصمتی می‌گوید: این بنا در واقع یکی از پایگاه‌های فرهنگی و نظامی اسلام در شمال آفریقا بوده است. این بنای بسیار باشکوه و بزرگ، مهم‌ترین نماد دینی فرهنگی تونس است. تعداد زیادی توریست از کشورهای مختلف در حال دیدار از این بنا هستند. در تونس به این‌گونه بناها «جامع» می‌گویند. جامع جایی است که در آن نماز جمعه اقامه می‌گردد. اما نمازهای یومیه در مساجد خوانده می‌شود. از حیاط بزرگ جامع وارد بنای اصلی می‌شویم که بنایی بسیار بزرگ و باشکوه با ستون‌های فراوان است. مساحت این مسجد ۱۱ هزار متر مربع است و ساختمان آن بر ۴۱۴ ستون بنا شده است. نگاره‌های هنری زیبایی که بر سنگ و چوب نقش بسته، بسیار چشم‌نواز است. بویژه منبت‌کاری خیره‌کننده‌ی منبر بزرگی که از قرن‌ها پیش در این جامع نگهداری می‌شود. از جامع بیرون می‌آییم. به طرف سرویس‌های بهداشتی می‌رویم. همه‌ی توالت‌های مسجد جامع، فرنگی هستند.

پس از دیدار جامع، دقایقی را در شهر به گشت و گذار می‌پردازیم و ناهار را در یکی از هتل‌های بزرگ شهر قیروان صرف می‌کنیم. ساعت ۳/۵ از همراهان قیروانی خداحافظی می‌کنیم و به سمت تونس باز می‌گردیم. هرچه به سمت شهر تونس پیش می‌رویم، هوا ابری‌تر و بارندگی بیشتر می‌شود. در ۵۰ کیلومتری شهر، باران به شدت هرچه تمام‌تر می‌بارد. ساعت ۱۵:۵ به تونس می‌رسیم و به هتل می‌رویم.

ساعت ۹/۵ صبح روز چهارشنبه است. به بیت‌الحکمه آمده‌ایم. ساختمان بیت‌الحکمه بر لب دریا ساخته شده است. در کنار دیوار حیاط ایستاده‌ام و دریا را تماشا می‌کنم. دریای زلال با رنگ آبی متمایل به فیروزه‌ای و آسمان صاف صبح اسفندماه تونس که از چشم‌انداز این‌جا به هم رسیده و در هم آمیخته‌اند میل مرا برای ورود به محل برگزاری همایش کم می‌کند.

مراسم افتتاحیه‌ی همایش بین‌المللی «الشعر الفارسی» ساعت ۱۰ صبح با سخنرانی آقای عبدالوهاب بوحدیبه، رئیس بیت‌الحکمه آغاز می‌شود. آقای بوحدیبه پس از خوش‌آمدگویی و اشاره به اهداف همایش، بر ارزش‌های فرهنگی مشترک کشورهای عربی و ایران و نیز پیشینه‌ی روابط ایران و اعراب تکیه می‌کند و درباره‌ی اهمیت شعر فارسی و ظرفیت‌های این شعر و تأثیر شاعرانی چون حافظ و خیام بر شعر جهان، بویژه شعر عربی توضیح می‌دهد. او می‌گوید بیشتر شاعران بزرگ گذشته‌ی ایران برای ما شناخته شده‌اند اما امروزه ما از شعر معاصر فارسی اطلاع چندانی نداریم و لازم است در این مورد گفت‌وگو شود. آقای محمدتقی مؤیدی، سفیر ایران در تونس، سخنران دوم هستند. ایشان ابتدا از آقای بوحدیبه و همکارانشان در بیت‌الحکمه و سخنرانان و شرکت‌کنندگان در همایش سپاس‌گزاری می‌کند و سپس درباره‌ی ویژگی‌های کلی ادبیات فارسی و ارزش‌های انسانی و الهی موجود در شعر ایران و نقش آن در ادبیات ملل دیگر سخن می‌گوید. برنامه‌ی افتتاحیه با همین دو سخنرانی به پایان می‌رسد و پس از ۱۵ دقیقه استراحت و پذیرایی، نشست‌های علمی همایش آغاز می‌شود. در نخستین نشست علمی سه نفر سخنرانی می‌کنند:

۱- دکتر محمد العربی الجلاصی (مدیر بخش زبان عربی دانشگاه تونس). عنوان مقاله:

مقایسه‌ای بین خیام و ابوالعلائی معری

۲- دکتر نصرالله امامی (از دانشگاه شهید چمران اهواز). عنوان مقاله: پویایی زبان فارسی در

شعر معاصر ایران.

۳- دکتر نورالدین صمود (از دانشگاه زیتونه‌ی تونس). عنوان مقاله: ترجمه‌ی عربی رباعیات خیام.

نشست دوم علمی ساعت ۱۱/۵ آغاز می‌شود و چهار نفر دیگر از استادان سخنرانی می‌کنند:

۱- دکتر حسن عصمتی (رای‌زن فرهنگی جمهوری اسلامی ایران). عنوان مقاله: معنویت قرآن کریم در آیین‌های شعر فارسی.

۲- دکتر محمد اللغزی (از دانشگاه تونس). عنوان مقاله: تأثیر فرهنگ فارسی در شعر جدید عربی.

۳- دکتر فرید قطاق (از دانشگاه زیتونه‌ی تونس). عنوان مقاله: ترجمه‌ی شعر فارسی و مسائل آن.

۴- دکتر یحیی داوود عباس (رئیس بخش فارسی دانشگاه الازهر مصر). عنوان مقاله: ویژگی‌های شعر سعدی شیرازی.

در پایان برنامه‌های صبح، زوج جوان ایرانی که در ادامه‌ی سفرهای زمینی خود به شهر تونس رسیده‌اند، چند دقیقه‌ای موسیقی کردی اجرا می‌کنند. این دو جوان جهان‌گرد (مهرناز اسدی و مجتبی دآوری) در سایت خود نوشته‌اند: «ما مستندسازی هستیم که با دوچرخه سفر می‌کنیم تا منشأ مشترک بشریمان که در همه‌ی ما یکسان آفریده شده، به تصویر بکشیم... فکر می‌کنیم الان زمان آن فرارسیده که همه‌ی جهانیان دست به دست هم داده، به دور زمین بگردند و با شادمانی و قدردانی از موهبت حیات بگویند: ما جهان هستیم.»

برنامه‌ی صرف ناهار در رستورانی در همان نزدیکی است. میز ناهار در کنار پنجره‌ای بزرگ که مشرف به دریاست چیده شده است. دریا، از هر سو که نگاه می‌کنی جلوه‌گری و دلبری می‌کند و چشم‌انداز زیبای رستوران ناهار را خاطره‌انگیزتر می‌کند. بر سر میز ناهار گفت‌وگوهای گرمی جریان دارد: درباره‌ی حافظ، سعدی و خیام. درباره‌ی ایران معاصر، درباره‌ی تونس و ادبیات این کشور و درباره‌ی بسیاری چیزهای دیگر.

خانم فاطمه سعیدنیا، همسر ایرانی آن دکتر فرید قطاق رو به روی من نشستند. فرصت خوبی است که با ایشان درباره‌ی وضعیت عمومی و اجتماعی مردم تونس گفت‌وگو کنم. خانم سعیدنیا همان‌طور که استکان چای سبز را در دست دارند، درباره‌ی دانه‌هایی که در آن ریخته شده صحبت می‌کنند.

«این‌ها میوه‌ی صنوبر است. در تونس معمولاً چای سبز می‌خورند و این میوه‌های صنوبر که نسبتاً هم گران است در بعضی موارد، مخصوصاً مهمانی‌ها، با برگ رعنا، در چای ریخته می‌شود.»

خانم سعیدنیا حدود ۳۰ سال است در تونس زندگی می‌کنند. از ایشان درباره‌ی حقوق کارمندان و استادان می‌پرسم. می‌گویند: «حقوق متوسط کارمندان ۵۰۰ تا ۶۰۰ دینار است. حداقل حقوق ۳۶۰ دینار و حقوق متوسط استادان دانشگاه ۱۲۰۰ تا ۱۵۰۰ دینار است.»

درباره‌ی اجاره‌ی مسکن می‌گویند: «اجاره بهای خانه‌ی معمولی به طور متوسط حدود ۱۵۰ دینار است.» همچنین می‌گویند: در تونس زن‌سالاری حاکم است اما این زن‌سالاری اگر از یک نظر خوب است، از یک نظر دیگر خانم‌ها را خسته کرده است. چون همه‌ی مسؤولیت‌های زندگی بر دوش آن‌هاست و فرصت فراغت ندارند. به همین دلیل به نظر من زن ایرانی راحت‌تر از زن تونسی زندگی می‌کند. تعدد زوجات در تونس ممنوع است. اگر مشخص شود مرد همسررداری با زنی روابط نامشروع دارد، باید بلافاصله همسر اول خود را طلاق بدهد و همه‌ی دارایی‌اش هم به زن اول داده می‌شود. در واقع به معنی دیگر یعنی او باید از خانه برود. این جا مهریه‌ی همه‌ی خانم‌ها فقط یک دینار است، اما حقوق مدنی دیگری برای او در نظر گرفته شده است. اگر مردی فوت شود و فرزند نداشته باشد، همه‌ی دارایی او به ارث به همسرش می‌رسد و اگر فرزند نداشته باشد، نصف دارایی‌اش متعلق به همسرش خواهد بود.

پس از ناهار برای ادامه‌ی نشست‌های علمی، رستوران را به مقصد بیت‌الحکمه ترک می‌کنیم. باران دل‌انگیزی می‌بارد و مسیر پیاده‌روی را زیباتر می‌کند.

برنامه‌های علمی عصر با سخنرانی‌های دیگر از ساعت ۳ تا ۵ ادامه می‌یابد:

- ۱- دکتر کاووس حسن‌لی (از دانشگاه شیراز). عنوان مقاله: شیوه‌های تازه در غزل امروز ایران.
- ۲- دکتر فرحات ادریسی (از دانشگاه تونس). عنوان مقاله: نقش پرندگان در شعر فارسی.
- ۳- دکتر ویکتور الکک (رئیس مرکز زبان و ادبیات فارسی دانشگاه لبنان). عنوان مقاله: نگاهی به پنج شاعر معاصر (مشیری، شفیعی کدکنی، گرمارودی، علی معلم و فروغ فرخزاد).
- ۴- دکتر اسماعیل آذر (از دانشگاه آزاد اسلامی تهران). عنوان مقاله: بررسی مؤلفه‌های هویت ملی در شعر مهدی اخوان ثالث
- ۵- دکتر عادل بالکحله (از گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تونس). عنوان مقاله: استفاده از اندیشه‌های فلسفی شعر ایران.

ساعت ۸ شب است. امشب مهمان آقای بوحدیه، رئیس بیت‌الحکمه هستیم. ضیافت شام در یکی از رستوران‌های سنتی مرکز شهر، به نام «دیوان الجلد» برپاست. به همراه دوستان دیگر به محل ضیافت می‌رویم. کوچه‌های باریک با درهای بزرگ چوبی قدیمی و نقش و نگارهای چشم‌گیری که به گونه‌ای هنری بر درها نقش بسته، فضایی ویژه می‌آفرینند. دلم می‌خواهد دیرتر به رستوران برسیم تا بتوانم در فضای نیمه‌تاریک این کوچه‌های قدیمی خاطراتی از گذشته‌های دور خودم را به یاد بیاورم. خوشبختانه راهنمای ما محل رستوران را گم کرده است و من می‌توانم کمی بیشتر از این مناظر لذت ببرم. بالاخره رستوران درالجلد را پیدا می‌کنیم. وارد می‌شویم. مهمانان دیگر پیش از ما آمده‌اند. یک شب خاطره‌انگیز دیگر سپری می‌شود. ساعت ۱۱ به هتل بازمی‌گردیم تا استراحت کنیم.

صبح روز پنجشنبه است. برنامه‌ی امروز ما سفر به شهر حمامات و نابل است. ساعت ۹ صبح حرکت می‌کنیم ابتدا به محل خانه‌ی فرهنگ ایران می‌رویم. ساختمانی دوطبقه با حدود ۳۵۰ متر مساحت و ۳۵۰ متر زیربنا، بر سر در ساختمان نوشته شده «سفاره جمهوری اسلامی ایران» - قسم الثقافة» درباره‌ی متن این تابلو آقای عصمتی قبلاً توضیحاتی برای ما داده‌اند. وارد ساختمان می‌شویم. صدای قرآن از بلندگو پخش می‌شود. بخش اداری در طبقه‌ی پایین است و یکی از اتاق‌های طبقه‌ی پایین به کتابخانه اختصاص داده شده است. کلاس‌های آموزش زبان فارسی و کلاس‌های دیگر در اتاق‌های طبقه‌ی بالا تشکیل می‌شود. حدود یک ساعت در این جا توقف داریم. ساعت ۱۰/۵ به اتفاق آقای دکتر عصمتی و پسرشان، محمد، با دو اتومبیل به سمت شهر حمامات حرکت می‌کنیم.

شهر توریستی حمامات و نابل در همان مسیر شهر قیروان واقع شده‌اند. ساعت ۱۱:۴۵ به شهر حمامات می‌رسیم. باز هم ساختمان‌های سفید، پنجره‌های آبی و نخل‌های سرسبز همه جا دیده می‌شوند. ابتدا به بخش قدیمی شهر می‌رویم. از قلعه‌ای قدیمی که در کنار ساحل مدیترانه بنا شده دیدن می‌کنیم. دقایقی را از بالای برج قلعه، شهر زیبای حمامات و دریای همیشه زیبای مدیترانه را تماشا می‌کنیم. باد شدید در حال وزیدن است و فروشندگان صنایع دستی، بساط خود را در گوشه و کناره‌ها پهن کرده‌اند. صنایع چوب، سنگ و سرامیک بیشتر دیده می‌شود. با آن که هوا نسبتاً سرد است، جهان‌گردانی از ملیت‌های گوناگون در همه‌جا به چشم می‌خورند. این خود به گونه‌ای آشکار نشان از رونق صنعت توریسم در این کشور دارد. ما نیز چند قطعه از صنایع دستی در یکی از بازارهای صنایع دستی می‌خریم و به سمت بخش جدید شهر حمامات به راه می‌افتیم. بخش جدید

شهر حمامات با شهرسازی مدرن و فضای سبز کاملاً توریستی ساخته شده است. بجز رستوران‌ها، ویلاها و ساختمان‌های مجلل مدرن، تنها سی هتل پنج‌ستاره در این بخش از شهر حمامات ساخته شده است. خیابان‌های عریض، تفرج‌گاه‌های گوناگون با آلاچیق‌ها، اسکله‌ها، قایق‌ها و کشتی‌های تفریحی در حاشیه‌ی دریا، زمینه‌های لازم را برای جذب جهان‌گرد فراهم آورده است. تونس‌ی‌ها برای رونق بیشتر صنعت توریسم، همه‌گونه امکانات لازم را برای هر نوع سلیقه، در این جا ایجاد کرده‌اند. به عبارتی دیگر هر مسافر با هر نوع سلیقه که به این جا سفر کند، نیازهای او پیش‌بینی و فراهم شده است. هوا که گرم‌تر شود، بویژه در تابستان، ازدحام مسافر در این شهر، بسیار بیشتر خواهد شد. اما این روزها نسبتاً خلوت است.

ساعت ۱/۵ در محوطه‌ی بیرونی یکی از رستوران‌ها بر ساحل دریا ناهار می‌خوریم. پس از آن در یکی از فروشگاه‌های شهر، مقداری خرید می‌کنیم و به سمت شهر نابل به راه می‌افتیم. ساعت ۴/۵ در شهر نابل هستیم. فاصله‌ی حمامات تا نابل حدود ۲۰ کیلومتر بیشتر نیست. ظروف سفالی که در فروشگاه‌ها و پیاده‌روهای خیابان ورودی نابل دیده می‌شود، شهرزای اصفهان را به یاد می‌آورد. شهر نابل شهر هنرها و صنایع دستی تونس است. دو سه ساعتی را در شهر نابل به گشت‌وگذار می‌پردازیم تا با وضعیت عمومی و اجتماعی و هنرهای دستی مردم این شهر آشنا شویم و ساعت شش و چهل و پنج دقیقه نابل را به مقصد شهر تونس ترک می‌کنیم. قرار است امشب با گروهی از نویسندگان و اندیشمندان شهر تونس در «منتدی الجاحظ» دیدار و گفت‌وگو داشته باشیم. به شهر تونس می‌رسیم. نشانی منتدی الجاحظ را گم کرده‌ایم. حدود یک ساعت در خیابان‌ها و کوچه‌های نزدیک به محل ملاقات سرگردان می‌شویم تا بالاخره خسته از سفر و سرگردان به مقصد می‌رسیم. اعضای منتدی الجاحظ به دلیل تأخیر پیش آمده در حال پراکنده شدن هستند. اما با ورود ما بیشتر آن‌ها باز می‌گردند و جلسه بدون مقدمه آغاز می‌شود. اعضای منتدی الجاحظ در یک سو و آقای دکتر عصمتی، دکتر امامی، دکتر الکک و بنده در سوی دیگر. مسؤول جلسه ابتدا مختصری درباره‌ی منتدی الجاحظ و اهداف آن توضیح می‌دهد و تأکید می‌کند منتدی الجاحظ یک نهاد مستقل است که برای آزادی تفکر و اندیشه و تمدن عربی اسلامی فعالیت می‌کند و تمرکز خود را بر فعالیت‌های فرهنگی، ادبی و هنری نهاده است. دکتر الکک به نمایندگی از ما در یک سخنرانی مشروح، مبسوط و شنیدنی، تاریخچه‌ی روابط فرهنگی و ادبی ایران و عرب را به شایستگی توضیح می‌دهند و بسیاری از شواهد فارسی و عربی را که نشان از تأثیر و تأثر ادبیات فارسی و عربی دارند از حافظه‌ی ستودنی خود بازمی‌گویند. ارادت چندین ساله‌ام به پروفیسور الکک چندین برابر می‌شود. پس از سخنرانی

الکک حدود یک ساعت هم به پرسش و پاسخ می‌گذرد. داوری برخی از حاضران در پیوند با ادبیات فارسی، داوری شایسته‌ای نیست. در این جلسه به بعضی از سوء تفاهم‌ها پاسخ داده می‌شود. در پایان جلسه شادمان از این برنامه‌ی مؤثر به آقای عصمتی پیشنهاد می‌کنم فیلم سخنرانی دکتر الکک را در قالب سی‌دی منتشر کنند و برای استفاده به سفارت ایران در همه‌ی کشورهای عربی بفرستند. دکتر عصمتی از این پیشنهاد استقبال می‌کنند. به هتل بازمی‌گردیم تا استراحت کنیم.

ساعت ۷ صبح روز جمعه است. از حیاط فرح‌افزای هتل بیرون می‌روم تا در فضای طرب‌انگیز کنار ساحل قدم بزنم. قرار است دوستان ساعت ۸ صبح برای صرف صبحانه به رستوران بیایند. فرصت مغتنمی است که از هوای صبحگاهی لذت ببرم. به کنار ساحل می‌آیم. گاهی دریای موج‌نگاهم را می‌رباید و گاهی آسمان آرام. دریا اندکی متلاطم و آسمان کمی ابری است. سرمای صبح زمستانی تونس اجاره نمی‌دهد بیش از نیم‌ساعت پیاده‌روی کنم. ناگزیر بازمی‌گردم و ادامه‌ی پیاده‌روی را در طول «لابی» هتل قدم می‌زنم. کارمندان و کارگران هتل همچون همیشه سرگرم کار خودند. و هر بار با لبخندی ملیح «صبح‌الخیر» یا «بون ژوق موسیو» می‌گویند. در یکی از رفت و برگشت‌ها گام‌هایم را می‌شمارم. طول بلند لابی هتل در ۱۵۵ قدم من پیموده می‌شود. به ساعت‌های آویخته شده بر دیوار نگاه می‌کنم. هر کدام از ساعت‌ها زمان را به وقت یکی از کشورها نشان می‌دهند. عقربه‌های ساعت تونس تازه از حوالی هشت گذشته‌اند که دکتر امامی و دکتر آذر را در کنار خود می‌بینم. به رستوران می‌رویم. این بار آن چه را که برای صرف صبحانه در رستوران چیده‌اند می‌شمارم. ۷۴ قلم جنس (شیر، کره، مربا، تخم‌مرغ، گوشت، کالباس، سوسیس، آب میوه و ...) منتظر مسافران هستند.

ساعت ۹ راننده‌ی بیت‌الحکمه به هتل می‌آیند و برای دیدن مناطقی از شهر تونس از هتل بیرون می‌رویم. قرار است آقای حامد قشقاوی امروز ما را همراهی کنند. آقای قشقاوی از جوانان ایرانی است که در دانشگاه تونس در رشته‌ی کامپیوتر و الکترونیک تحصیل می‌کند و دستی هم در تجارت دارد. به سمت خانه‌ی فرهنگ ایران می‌رویم. آقای قشقاوی منتظر ما نشسته‌اند. با صمیمیت و اشتیاق با ما همراه می‌شوند و به سمت مرکز شهر می‌رویم. قرار است مسجد زیتونیه را ببینیم. از کنار ساختمان شهرداری، مدرسه‌ی صادقیه و وزارت فرهنگ می‌گذریم. جامع زیتونیه در آستانه‌ی بازار سنتی و قدیمی شهر قرار دارد. اما امروز مسجد بسته است. ناگزیر نمای بیرونی مسجد را تماشا می‌کنیم و وارد بازار می‌شویم. در چهره‌ی مردم آرامشی آمیخته به رضایت دیده می‌شود. دیروز

محمد عصمتی به من گفته بود نزدیک به دو سال است که در تونس هستم و هرگز در هیچ‌جا مشاخره و درگیری میان مردم ندیده‌ام.

امروز هم آقای قشقاوی بر همین موضوع تأکید می‌کنند. بر طبیعت معتدل و سازگار مردم بر قناعت و کم‌توقعی مردم و بر امنیتی که به گونه‌ای خوشایند جریان دارد. آن‌چه جالب توجه می‌نماید این است که علی‌رغم ممنوعیت حجاب در مدارس و دانشگاه‌های این کشور، مردم مسلمان میل به پوشیدگی دارند. در پوشش ساده و رفتار مردم میل به وقار و متانت آشکارا دیده می‌شود. آن فرهنگ برهنگی و علاقه‌ی به عریانی که در بسیاری دیگر از کشورهای آزاد دیده بودم در این کشور بسیار کم‌رنگ به چشم می‌آید. آقای قشقاوی می‌گویند در دانشگاه رسماً حجاب ممنوع است ولی خیلی سخت‌گیری نمی‌کنند و در دانشگاه‌ها آمار خانم‌های محجب روز به روز بیشتر می‌شود.

موتورسیکلت در خیابان‌ها دیده نمی‌شود. خیابان‌های شهر دوشنبه در تاجیکستان را به یاد می‌آورم. آقای قشقاوی می‌گویند: در این جا جز تعداد بسیار اندکی موتورگازی قدیمی، موتورسیکلت وجود ندارد. وارد بازار شده‌ایم. بازار سنتی تونس هم مانند بازارهای سنتی ایران است. احساس می‌کنم در بازار وکیل شیراز قدم می‌زنم. با این تفاوت که آمار غرفه‌های فروش صنایع دستی در این بازار بیشتر است. تفاوت فاحش دیگری که در این جا دیده می‌شود، وجوه قهوه‌خانه‌های فراوان سنتی است. تابلوهای «مقهی» بیش از هر تابلویی دیده می‌شود. بسیاری از اوقات مردم، بویژه جوان‌ها در این قهوه‌خانه‌ها می‌گذرد. در این قهوه‌خانه‌ها، قلیان، چای، نسکافه و قهوه عرضه می‌شود. این بخش از رفتار مردم، هیچ شباهتی به فرهنگ مردم فرانسه و بقیه‌ی اروپا ندارد. وقت‌گذرانی در قهوه‌خانه‌ها در همه‌ی ساعات روز، به گونه‌ای مشمئزکننده به چشم می‌خورد. در همه‌جای سطح شهر همین وضع دیده می‌شود. در شهر حمامات و نابل هم قهوه‌خانه‌ها در رونق کامل بودند و تابلو «مقهی» بیش از تابلوهای دیگر خودنمایی می‌کرد. در تونس به همین میزان که قهوه‌خانه زیاد است، کتاب‌فروشی کم است. در بازار شهر تونس هم جابه‌جا با جهان‌گردان ملل مختلف روبه‌رو هستیم. مسافرانی که موجب رونق بازار تونس شده‌اند و هر کدام مطابق سلیقه و میل خود در حال خرید هستند. ما هم هر کدام مقداری خرید می‌کنیم و از آن سوی بازار بیرون می‌رویم. علاقه دارم از قیمت ارزاق عمومی هم سر در بیاورم. پرس‌وجو می‌کنم: پرتقال کیلویی ۱/۵ دینار، گوجه ۸۰۰ میلیم (۰/۸ دینار)، سیب ۱/۵ دینار، موز ۱/۵ دینار، مرغ ۵/۵ دینار، ماهی سفید ۹ دینار و ... مجموعاً می‌توان گفت، نسبت به درآمد مردم، شهر ارزانی نیست.

از آقای قشقاوی درباره‌ی دانشگاه‌های تونس و هزینه‌های آن می‌پرسم. می‌گویند: این‌جا چیزی به نام کنکور نداریم. معدل نهایی پیش‌دانشگاهی مهم است. تحصیل در تونس رایگان است. اما ما خارجی‌ها سالانه حدود هفتاد هشتاد دینار می‌پردازیم که البته مبلغ زیادی نیست. دو سه سالی است که در این‌جا هم دانشگاه خصوصی باز شده است. سیستم آموزشی دانشگاه‌های ایران همان سیستم فرانسه است. مدارک این‌جا هم کاملاً مورد قبول فرانسه است و تفاوتی نمی‌کند در این‌جا یا فرانسه مدرک گرفته باشی. زبان رسمی دانشگاه هم زبان فرانسه است. بسیاری از جوان‌ها برای دوره‌های فوق لیسانس و دکتری به اروپا مخصوصاً فرانسه و ایتالیا می‌روند و معتقدند آن‌جا بازار کار برایشان فراهم‌تر است. دوره‌های تحصیلی قبل از دانشگاه هم مثل خیلی جاهای دیگر: شش سال ابتدایی، سه سال راهنمایی و سه سال دبیرستان است.

از آن سوی بازار بیرون می‌رویم و به خیابان عریض حبیب بورقیبه می‌رسیم، که بخش جدیدتر شهر است. یادم به خیابان شانزله‌لیزه در پاریس می‌افتد. آقای قشقاوی می‌گویند این خیابان را فرانسوی‌ها در زمان اشغال، به سبک خیابان شانزله‌لیزه ساخته‌اند. بسیاری از هتل‌ها در همین خیابان ساخته شده‌اند. از «باب البحر» که به سبک «طاق شارل دوگل» ساخته شده می‌گذریم و وارد خیابان اصلی می‌شویم. سازه‌ای که در انتهای خیابان، از دور دیده می‌شود و شبیه «کنکور» در پاریس است، به "میدان ساعت" یا "میدان هفت نوامبر" مشهور است. هفت نوامبر روزی است که زین‌العابدین بن علی در سال ۱۹۸۷ به قدرت رسید و جانشین حبیب بورقیبه شد. تندیس ایستاده‌ای از ابن‌خلدون در همین اوایل خیابان، وسط بولوار دیده می‌شود. ابوزید عبدالرحمن بن محمد، معروف به ابن‌خلدون از حکیمان و مورخان نامدار تونس است که در سده‌ی هشتم هجری می‌زیسته و مدتی هم در مصر قاضی‌القضات بوده و در قاهره به تدریس مشغول بوده است. تاریخ ابن‌خلدون (کتاب العبر و دیوان المبتدا و الخبر فی ایام العرب و العجم و البربر» معروف است. این شخصیت در تونس محبوبیت بسیار دارد. یکی دو ساعت در خیابان حبیب بورقیبه قدم می‌زنیم. از یکی از کلیساها و چند کتاب‌فروشی و فروشگاه دیدن می‌کنیم و بازمی‌گردیم.

در بازگشت به هتل از مسیری می‌آییم که مرتفع‌ترین بخش شهر است و به «بام تونس» معروف است. چند لحظه‌ای می‌ایستیم و از بلندی بام تونس یک‌بار دیگر ساختمان‌های سفید، پنجره‌های آبی و خیابان‌های سبز شهر با نخل‌های همیشه شاداب را تماشا می‌کنیم.

امروز عصر هم برنامه‌ی گشت‌وگذار در شهر را داریم. از ساعت ۴/۵ تا ۶/۵ به راهنمایی خانم یوسف‌نیا در بازارها و فروشگاه‌های شهر پرسه می‌زنیم.

امشب ساعت ۸ صبح به ضیافت شام سفیر ایران در محل اقامتگاه ایشان دعوت شده‌ایم. به آن جا می‌رویم. تعدادی از ایرانیان، از جمله کارمندان سفارت، معلمان اعزامی و دیگران نیز در این مهمانی حضور دارند. آقای مؤیدی، سفیر ایران با خوشرویی و مهربانی درباره‌ی ضرورت فعالیت‌های فرهنگی، برای معرفی ایران صحبت می‌کنند و دکتر آذر درباره‌ی شیوه‌ی صحیح و مؤثر تبلیغات فرهنگی و دکتر امامی درباره‌ی علاقه‌ی مردم تونس به ایران و ادبیات فارسی توضیح می‌دهند. از من می‌خواهند شعر بخوانم. ابتدا درباره‌ی ادبیات و نقش مؤثر آن برای گسترش فرهنگ صحبت می‌کنم و سپس چند قطعه از سروده‌هایم را می‌خوانم. آقای دکتر عصمتی نیز در این مراسم از انتشار شایسته‌ی اخبار همایش در رسانه‌های تونس و تأثیر آن در مردم ابراز خرسندی و خوشحالی می‌کنند و می‌گویند بیشتر از آن چه گمان می‌کردیم این همایش تأثیرگذار بوده است.

خانم مهرناز اسدی و آقای مجتبی یآوری (مستندسازان جهان‌گردی که در همایش روز چهارشنبه هم نوازندگی کرده بودند در این مهمانی حاضرند و جالب است که در دیار غربت به رسم هموطنان خود حلوای ایرانی درست کرده‌اند و برای جمعیت حاضر آورده‌اند. پس از چندین روز، بالاخره امشب در اقامتگاه سفیر، شام را غذای ایرانی (چلوکباب، خورش قیمه و ...) می‌خوریم و ساعت ۱۱/۵ به هتل بازمی‌گردیم.

برنامه‌ی روز شنبه نیز گشت و گذار در مناطقی دیگر از شهر تونس و آشنایی بیشتر با وضعیت اجتماعی بخش‌هایی دیگر از شهر است. از جمله منطقه‌ی دست‌فروش‌ها و بازار چینی‌ها و پس از آن فروشگاه بزرگ زنجیره‌ای کارفور و ... در همه‌جا آمیختگی فرهنگ عربی با فرهنگ فرانسوی دیده می‌شود. اتومبیل‌ها، بیشتر فرانسوی (انواع پژو، رنو، سیتروئن و ..) و آلمانی (بی‌ام‌و، بنز و ..) هستند. در این چند روز گاهی – البته به ندرت – در گوشه و کنار خیابان‌ها با گداهایی روبه‌رو می‌شدیم که درخواست کمک داشتند. اما سماجت زیادی نمی‌کردند.

شنبه‌شب به منطقه‌ی مرتفع تفریحی و توریستی «سیدی بوسعید» می‌رویم، اما باد سرد و شدید آن شب اجازه نمی‌دهد مدتی را در آن جا بمانیم. ناگزیر باز می‌گردیم ساعتی را در یکی از قهوه‌خانه‌های همان منطقه سر می‌کنیم. مثل همیشه تعدادی پسر و دختر در حال خوردن چای و نسکافه و کشیدن سیگار و قلیان هستند. آقای قشقاوی می‌گویند فرهنگ قهوه‌خانه‌ای در این جا خیلی رایج است. اما بجز همین سیگار و قلیان هیچ‌گونه مواد مخدر در تونس وجود ندارد: نه تریاک،

نه حشیش و نه هیچ مواد شیمیایی اعتیادآور که متأسفانه در ایران به فراوانی یافت می‌شود. به همین دلیل شما در تونس اصلاً معتاد به این مواد مخدر نمی‌بینید.

به هتل بازمی‌گردیم. در حال خواندن مطالبی هستم که در پیوند با مسائل فرهنگی تونس از آقای دکتر عصمتی گرفته‌ام. در قسمتی از این نوشته آمار بخشی از نهادهای فرهنگی نوشته شده است: از جمله:

- در تونس ۳۵۰ مرکز فرهنگی، ۶۵۹ ویدئو کلپ، ۱ مرکز ملی فرهنگ، ۳۵۶ انجمن فرهنگی محلی و ۲۴ اداره‌ی فرهنگ وجود دارد و سالانه ۱۰۶۹ جشنواره‌ی فرهنگی برگزار می‌شود که ۴۲۲ عدد آن جشنواره‌های تابستانی است.
- بیش از ۲۸۵۶ مسجد در این کشور وجود دارد که مهم‌ترین این مساجد عبارتند از جامع عقبه بن نافع (قبروان) که قدیمی‌ترین مسجد آفریقا و در سال ۵۰ هجری قمری به دست عقبه بن نافع و با مشارکت خراسانی‌ها ساخته شده، جامع الزيتونه (تونس) که در سال ۱۱۶ هجری قمری (۷۳۴ میلادی) ساخته شده، الجامع الکبیر (مهدیه)، جامع سیدی اللخمی (صفاقس)، جامع صاحب الطابع (تونس) و جامع الموحدین (تونس).
- همچنین در این کشور تعداد ۵۱ سالن سینما، ۱۸ انجمن سینما (۴ انجمن برای سینمای کودک و نوجوان)، ۱۷۱ شرکت تهیه‌کننده‌ی فیلم، ۱۵ شرکت پخش فیلم‌های سینمایی وجود دارد و تاکنون ۷۷ فیلم سینمایی بلند در تونس ساخته شده است. ضمناً مبلغ بلیت سینما در تونس بین ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ تومان.
- در تونس ۲۵۰ گروه تئاتر آماتور، ۷۸۰ گروه تئاتر دانش‌آموزی، ۵۰ گروه تئاتر دانشجویی، ۱۰۸ گروه تئاتر حرفه‌ای (۶ گروه آن دولتی و بقیه غیردولتی)، ۵ مرکز هنرهای نمایشی و ۲۵۶ سالن تئاتر وجود دارد.
- ۳۱ روزنامه و هفته‌نامه و ۱۸ مجله‌ی فرهنگی علمی در تونس منتشر می‌شود.
- در تونس ۲۶۳ گروه موسیقی نوازنده (الوتریه)، ۲۹۶ گروه موسیقی دینی (فرق‌السلامیه)، ۱۰۵ گروه موسیقی سنتی (النحاسیه)، ۷۸۶ گروه موسیقی محلی، ۶۰ گروه باله کوریگرافیه، ۱۵ مؤسسه‌ی موسیقی استانی، ۶۹ مجموعه‌ی کورال و ۱۱ گروه موسیقی الماجورات وجود دارد.
- در سال ۱۹۵۶ تنها دو کتاب‌خانه‌ی عمومی در این کشور وجود داشته است. ولی اکنون ۴۰۲ کتاب‌خانه‌ی عمومی فعال است

- تحصیل در آموزش عالی تونس رایگان است. نظام جدید آموزش عالی تونس به نظام آمد (الاجازه، الماجستير و الدكتوری) معروف است.
- در تونس بر اساس آمار سال ۲۰۰۴ یک میلیون و ۷۰۰ هزار زن بی‌شوهر (مطلقه یا شوهر مرده) وجود دارد و از سال ۱۹۵۶ ازدواج متعدد غیرقانونی اعلام شده است؛ آمار جایگاه اجتماعی زنان در تونس عبارت است از: ۲۲.۷٪ در مجلس نمایندگان، ۲۷٪ در شهرداری‌ها، ۳۴٪ در رسانه‌ها، ۵۱٪ در آموزش ابتدایی، ۴۸٪ در آموزش دبیرستان، ۴۰٪ در آموزش عالی، ۴۲٪ در شغل پزشکی، ۷۲٪ در داروخانه، ۳۱٪ در امور وکالت و ۲۷٪ در امور قضاء.

به روز آخر سفرِ خاطره‌انگیز تونس رسیده‌ایم. ساعت ۹/۵ روز یکشنبه است. وسایلمان را برمی‌داریم، اتاق‌های هتل را تخلیه می‌کنیم و تحویل می‌دهیم. راننده‌ی بیت‌الحکمه ساعت ۱۰/۵ ما را به فرودگاه می‌رسانند. آقای دکتر عصمتی و پسرشان محمد، که همراه با آقای قشقاوی برای بدرقه به فرودگاه آمده‌اند. منتظر ما هستند. آقای عصمتی یک بار دیگر با شادمانگی درباره‌ی تأثیرات چشمگیر سفر ما به تونس و نیز دست‌آوردهای همایش «شعر فارسی» سخن می‌گویند و بر ضرورت ادامه‌ی چنین برنامه‌هایی تأکید می‌کنند. نماینده‌ی بیت‌الحکمه هم به ما می‌پیوندند. کارت‌های پرواز را می‌گیرم و پس از خداحافظی وارد سالن انتظار می‌شویم. تا با هواپیمای متعلق به ترکیش به استامبول برگردیم.

ساعت ۷/۵ در یکی از سالن‌های فرودگاه استامبول نشسته‌ایم و تازه متوجه می‌شویم که پرواز دکتر آذر با هواپیمایی دیگر (البته با همان شرکت ترکیش) و دو ساعت بعد از پرواز ما خواهد بود. پرواز ما با حدود ۱/۵ ساعت تأخیر انجام می‌گیرد و بالاخره ساعت ۲ بامداد در فرودگاه امام‌خمینی تهران این سفر علمی - فرهنگی به پایان می‌رسد.